

## چالش های ژاپن در راه اصلاح ساختار اجتماعی از دریچه ساختار تفکیک قوا\*

کن ایچی یوندا

دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی

دانشکده حقوق دانشگاه کاگوشیما

محقق و استاد مهمان دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه علامه طباطبایی

### مقدمه

مقاله ای که ملاحظه می فرمایید دو موضوع ذیل را دنبال می کند:

- ۱- معرفی ساختار تفکیک قوا به همان ترتیب که در قانون اساسی ژاپن درج شده است.
- ۲- آشنایی با اصلاحات انجام شده در دوران توسعه اقتصادی ژاپن و دوران طولانی رکود اقتصادی که تا حال حاضر نیز ادامه دارد و همچنین بررسی نقش ساختار تفکیک قوا در این اصلاحات.

انتخاب این موضوعات نیز به دلایل ذیل است :

دلیل اول این است که تا جایی که اینجانب اطلاع دارم در ایران و ژاپن تاکنون پژوهش چندانی در زمینه نظام حقوقی کشور مقابل صورت نگرفته است و لذا در این زمینه کمبود محسوسی مشاهده می شود. لذا بنده قصد دارم که با معرفی ساختار و چگونگی تفکیک قوا، به همان صورت که در قانون اساسی ژاپن درج شده است، البته در حد بضاعت، کمی از این کمبود را جبران نمایم.

و اما دلیل دوم این است که همانطور که خوانندگان محترم نیز استحضار دارند طبق نظر متسکیو، فیلسوف بزرگ فرانسوی، منظور از اصل تفکیک قوا، ایجاد توازن بین سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه است. بنده لازم میدانم این نکته را نیز اضافه کنم که این نظریه خصوصاً پس از مدرنیزاسیون کشورها تصویری ذهنی است و در عمل تغییرات زیادی

در آن صورت می گیرد. ولذا ارائه توضیحاتی درخصوص اصل فوق و نیز تغییرات پیرامون آن در جامعه ژاپن - بعنوان یک کشور مدرن - ضروری بنظر میرسد.

بنابراین به منظور درک صحیح تر محتویات این مقاله، آنرا به دو بخش کلی تقسیم می کنیم:

بخش اول شامل آشنایی با قانون اساسی ژاپن و نیز ماهیت نظری و ساختار تفکیک قوای مندرج در قانون اساسی ژاپن است و بخش دوم نیز به بررسی عملکرد ساختار تفکیک قوای حال حاضر و نیز شناخت اصلاحات اجتماعی که پس از دوران رکود اقتصادی و تا کنون در ژاپن اجرا شده است، اختصاص یافته است.

### تاریخ قانون اساسی ژاپن و ویژگیهای آن

#### ۱- زمینه های تاریخی قانون اساسی ژاپن

قانون اساسی فعلی ژاپن، در سال ۱۹۴۵ میلادی (۱۳۲۴ شمسی) پس از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم و به دنبال اشغال ژاپن توسط ارتش آمریکا، تهیه و تنظیم شد. اما در اصل نقطه آغاز تاریخ قانون اساسی ژاپن در سال ۱۸۹۰ میلادی (۱۲۶۹ شمسی) بوده است. در آن هنگام پس از تهیه و تنظیم قانون اساسی، امپراطور به عنوان فرمانروای ژاپن انتخاب شد. لذا گفته می شود ژاپن نخستین کشور آسیایی است که دارای حکومت مشروطه شد.

یکی از مورخان معاصر ژاپن به نام میاتا اوسامو در کتاب خود که در آن به شرح مختصری از تاریخ ایران پرداخته است به رابطه بین قانون اساسی ژاپن و انقلاب مشروطیت در ایران اشاره کرده است. وی درجایی دیگر با اشاره به پیروزی کشوری آسیایی و کوچک همچون ژاپن بر کشوری قدرتمند مانند روسیه (جنگ ژاپن - روسیه) اظهار میدارد که پیروزی ژاپن، باعث ایجاد روحیه ناسیونالیستی و نیز گرایش به سوی اجرای اصلاحات در بین ایرانیان شد و آنان پس از تامل پیرامون این جنگ و نتایج حاصله آن به این نتیجه رسیدند که راز پیروزی ژاپن در این جنگ مشروطه بودن این کشور و استبدادی بودن

چالش های ژاپن در راه : اصلاح ساختار اجتماعی از دریچه ساختار تفکیک قوا کن ایچی یوندا

نظام حکومتی روسیه بوده است. بنابراین بروز انقلاب روسیه به همراه تدوین قانون اساسی در ژاپن، جنبش مردم ایران در جهت تهیه و تدوین قانون اساسی را سرعت بخشیدند.

## ۲- قانون اساسی پس از جنگ

همانطور که در قسمت قبل نیز اشاره شد، قانون اساسی ژاپن پس از شکست این کشور در جنگ جهانی دوم و تحت نظارت آمریکا تدوین شده و در واقع تهیه و تدوین قانون اساسی ژاپن نه توسط مردم ژاپن بلکه در خلال اشغال ژاپن و توسط ارتش آمریکا و بر اساس اسنادی که به یادداشتهای مک آرتور معروف است صورت گرفته است. لازم به ذکر است که قانون اساسی فعلی ژاپن نیز بر پایه همان نوشته هاتدوین شده و تحت نظارت جریان اصلاحات قانون اساسی اجرا می شود.

البته قانون اساسی فعلی ژاپن نسبت به گذشته تغییر زیادی کرده است. مثلاً در قانون اساسی قدیم، امپراطور در مقام حاکم و شخص اول مملکت قرار داشت اما در قانون اساسی جدید، امپراطور مقامی تشریفاتی است که عملاً از ساختار قدرت خارج شده و دارای قدرت سیاسی نمی باشد و در واقع مقام تشریفاتی به او تفویض شده و مردم به عنوان حاکمان اصلی با شرکت در گزینش هر یک از قوای سه گانه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه نقش اصلی را در شکل گیری دولت دموکراتیک بر عهده دارند. بطور کلی قانون اساسی فعلی ژاپن، بر اساس سه اصل مهم حقوق بشر، صلح گرایی و حاکمیت مردم تدوین شده است.

## شرح ساختار استقلال قوا مطابق مفاد مندرج در قانون اساسی

در قسمت ذیل توضیحاتی پیرامون ساختار تفکیک قوا، به همان صورت که در قانون اساسی فعلی ژاپن درج شده است، ارائه شده است. نمودار شماره ۱ به روشنی بیانگر این توضیحات است.

ساختار تفکیک قوا در قانون اساسی ژاپن همانند مثلی است که در مرکز آن مردم و در هر یک از سه راس آن قوه قضاییه، مجریه و مقننه واقع شده اند.

#### ۱- حکومت مردمی - مجلس، بالاترین مرجع قانونگذاری

اصل حاکمیت مردم یکی از اصول مهم قانون اساسی ژاپن محسوب می شود و راه اعمال این حاکمیت نیز از طریق انتخابات است.

پارلمان ژاپن، با دو گروه نماینده به نامهای نمایندگان مجلس نمایندگان و نمایندگان مجلس شورا تشکیل شده است که هر یک از این دو گروه از طریق انتخابات و توسط مردم برگزیده می شوند.

مطابق اصل چهل و یکم قانون اساسی، از آنجاکه مجلس با نمایندگانی که به طور مستقیم توسط مردم انتخاب شده، تشکیل می شود، به عنوان بالاترین سازمان ویگانه مرجع قانون گذاری کشور به شمار می رود.

#### ۲- اختیارات مجلس در قبال کابینه و دادگاه

در اینجا، اختیاراتی که مجلس در قبال کابینه و دادگاه دارد و در تصویر با فلش نشان داده شده، شرح داده می شود.

همان طوری که با فلش (۱) در تصویر نشان داده شده، اختیارات مجلس در قبال کابینه بدین ترتیب است که مجلس، نخست وزیر را معین و سپس نخست وزیر هر یک از اعضای کابینه را تعیین می کند. البته ناگفته نماند که نمایندگان مجلس نمایندگان می توانند با صدور رأی عدم اعتماد، کابینه را منحل کنند.

همچنین، همان طوری که با فلش (۶) در تصویر نشان داده شده، اختیارات مجلس در قبال دادگاه بدین ترتیب است که مجلس می تواند قضاتی را که لایق قضاوت نباشند (به طور مثال مرتکب جرم و جنایت شده باشد) را عزل، و یا اعتبار وی را ساقط کند. البته این اقدام، توسط دادگاه ویژه مستقر در مجلس که توسط نمایندگان تشکیل می شود و

به دادگاه بازخواست معروف است، صورت می گیرد.

### ۳- اختیارات کابینه در قبال مجلس و دادگاه

اختیاراتی که کابینه نسبت به مجلس دارد، این است که کابینه می تواند مجلس نمایندگان را منحل، و دوباره انتخابات را برگزار کند. به طور مثال، هنگامی که اکثریتی از نمایندگان آن با خط مشی کابینه مخالف باشند، کابینه می تواند مجلس نمایندگان را منحل، و دوباره انتخابات را برگزار کند. در این راستا، اعضای کابینه مدارکی را مبنی بر حقانیت خط مشی خود به مردم ارائه می دهند و سپس مردم در صورت موافق بودن با آن، نمایندگانی را که با خط مشی کابینه موافق هستند، انتخاب می کنند بنابراین، انحلال مجلس، در واقع بهانه ای است برای تصویب خط مشی های کابینه.

همان طوری که قبلا نیز اشاره شد، مجلس ژاپن با دو گروه از نمایندگان، به نام های مجلس نمایندگان و مجلس شورا تشکیل می شود. دوره تصدی نمایندگان مردمی چهار سال است. این امکان وجود دارد که در این مدت مجلس نمایندگان منحل شود که در صورت انحلال مجلس، صلاحیت نمایندگان آن نیز سلب شده و انتخابات مجددا برگزار می شود. از سوی دیگر، دوره تصدی نمایندگان مجلس شورا شش سال می باشد و در این مدت هیچ گاه منحل نخواهد شد. علت وجود چنین ساختاری، یعنی انحلال مجلس توسط کابینه و یا رأی عدم اعتماد مجلس به کابینه و برگزاری انتخابات متعدد، این است که این شیوه باعث می شود که در هر دور از انتخابات، مطالعات و آگاهیهای سیاسی افراد جامعه

ارتقا یابد.

از سوی دیگر، در مجلس شورا به خاطر این که نمایندگان آن بتوانند در کمال آرامش و خونسردی طرح های بلند مدت را بررسی و برنامه ریزی کنند، این مجلس در طی این شش سال منحل نخواهد شد و همچنین تاثیر افکار عمومی بر روی آن به اندازه مجلس نمایندگان نیست. به همین جهت، مجلس شورا، در ژاپن، عقل سلیم خوانده می شود.

البته، گاهی اوقات ممکن است این دو مجلس اختلاف نظرهایی داشته باشند. لذا، در صورت اختلاف نظر، حق به جانب مجلس نمایندگان گرفته خواهد شد. چرا که مطابق قانون اساسی، مجلس نمایندگان که پشتوانه مردمی بیشتری نسبت به مجلس شورا دارد حق بیشتری نسبت به مجلس شورا دارا می باشد.

اختیارات کابینه در قبال دادگاه این است که کابینه می تواند رئیس قوه قضاییه و همچنین دیگر قضات را تعیین کند. به عبارت دیگر، اشخاصی که مورد تایید کابینه نباشند، به عنوان قاضی انتخاب نخواهند شد. از سوی دیگر، چنانچه قاضی مشکل خاصی نداشته باشد و علیه او از سوی دادگاه ویژه بازخواست حکمی صادر نشده باشد، تا زمان بازنشستگی می تواند در سمت خود باقی بماند و کابینه نمی تواند با اعمال نفوذ او را برکنار کند.

#### ۴- اختیارات دادگاه در قبال کابینه و مجلس

اکنون، اختیاراتی که دادگاه نسبت به کابینه و مجلس دارد، شرح داده می شود. همان طوری که بافلش (۵) در تصویر نشان داده شده است، دادگاه در قبال مجلس این اختیار را دارد، که در مورد انطباق و یا عدم انطباق قوانین موضوعی مجلس با قانون اساسی قضاوت کند. همچنین همان طوری که با فلش (۶) در تصویر نشان داده شده است، دادگاه در قبال کابینه این اختیار را دارد که در مورد تطابق و یا عدم تطابق احکام دولتی و نیز سایر قوانین مصوبه هیات دولت با قانون اساسی، قضاوت کند.

به هر حال، چنانچه دادگاه تشخیص دهد، هر یک از قوانین مجلس یا احکام دولتی کابینه برخلاف قانون اساسی است، آن حکم دولتی یا قانون، ضمانت اجرایی نخواهد داشت.

#### ۵- اختیارات مردم نسبت به دادگاه

در این بخش، اختیاراتی که مردم در قبال دادگاه دارند، شرح داده میشوند. طبق قانون

اساسی کشور ژاپن، مردم این اختیار را دارند که قضات دیوان عالی کشور را عزل نمایند و نیز در قانون اساسی به لزوم تایید مجدد قضات و رییس دیوان عالی کشور پس از گذشت ۱۰ سال از تایید صلاحیت اولیه و شروع خدمت آنها، توسط مردم و همزمان با انتخابات مجلس نمایندگان اشاره شده است. این آزمون که آزمون مردمی خوانده می شود، با انتخابات نمایندگان مجلس متفاوت است. در این آزمون چنانچه قاضی از سوی مردم نالایق تشخیص داده شود در جای خالی مقابل نام او علامت ضربدر زده خواهد شد. در صورتیکه اکثریت مردم علامت ضربدر زده باشند قاضی ناگزیر خواهد شد که از سمت خود استعفا دهد. به هر حال، با این شیوه مردم می توانند حاکمیت خود را حتی نسبت به دادگاه اعمال کنند.

#### ۶- جمع بندی اصول قانون اساسی

تا اینجا در مورد ساختار استقلال قوا بر اساس مفاد قانون اساسی توضیحاتی داده شد. لازم به یاد آوری است که بر اساس قانون اساسی، مجلس، عالی ترین مرجع قانونگذاری است که نمایندگان آن از طریق انتخابات برگزیده می شوند و کابینه نیز بر مبنای این مجلس شکل می گیرد. افزون بر این، مردم با تایید و یا عدم تایید صلاحیت قضات مربوط به دیوان عالی کشور، حاکمیت خود را بر قوه قضاییه اعمال می کنند. بنظر بنده ساختار تفکیک قوای ژاپن از تناسب و دقت بالایی برخوردار است اما در عین حال، ساختار مفاد قانون اساسی ژاپن و یا هر کشور دیگر هر چقدر هم که از ساختار خوب و مناسبی برخوردار باشد معمولاً در هنگام اجرا با مشکلات و مسایل گوناگونی رو به رو خواهد شد. و این امری اجتناب ناپذیر است.

در بخش بعد ضمن معرفی خصوصیات و ویژگی های توازن قوا در ژاپن، بر اساس قانون اساسی آن، به معرفی اصلاحات در خصوص ساختار اجتماعی ژاپن که در حال حاضر نیز در حال اجراست و به خصوص اصلاحات در حوزه نظام قضایی، و نیز به تشریح سیاستهای ژاپن در خصوص ایجاد توازن بین قوا در حال حاضر پرداخته می شود.

## اصلاح ساختار اجتماعی و عملکرد واقعی ساختار تفکیک قوا

### ۱- رکود اقتصادی ژاپن و اصلاح ساختار اجتماعی

همانطوریکه خوانندگان محترم هم می دانند دهه ۸۰، اوج شکوفایی اقتصاد ژاپن در سطح بین المملی بود بطوریکه به ژاپن نام کشور شماره ۱ اطلاق می شد. اما این شکوفایی دوام چندانی نداشت و با شروع دهه ۹۰ جای خود را به رکود و عقب افتادگی داد و نه تنها در این مورد بهبودی چشمگیری صورت نگرفت بلکه روز بروز بر شدت این رکود افزوده شد و این وضعیت تا حال حاضر هم ادامه پیدا کرده است تا جاییکه دهه ۹۰ را دهه از دست رفته مینامند.

البته این بدان معنا نیست که جامعه ژاپن برای رفع این رکود هیچگونه سعی و تلاشی را از خود نشان نداده است بلکه ژاپن در حال حاضر هم تلاشهای زیادی را در زمینه های مختلف و به منظور تغییر ساختار اجتماعی خود انجام می دهد. چرا که این تنها یک معضل اقتصادی نیست بلکه بحرانی است که به ساختار کل جامعه مربوط می شود. در طی این ۱۰ سال، در راستای تغییر ساختار اجتماعی ژاپن، اصلاحات متعددی از جمله اصلاحات سیاسی، اجرایی، اقتصادی، قضایی و غیره انجام شده که به همه این اصلاحات لفظ اصلاحات ساختار اجتماعی اطلاق می شود.

### ۲- ساختار اجتماع در عصر توسعه اقتصادی: همبستگی اجتماعی و مثلث آهنین

در دوره توسعه اقتصادی، نقش اساسی را در اجتماع ژاپن، قوه مجریه ایفا میکرد و در واقع فعالیت های قوه مجریه ضامن ترقی و توسعه اقتصاد در ژاپن محسوب میشد. ولیکن هدف اصلی اصلاحات که هم اکنون نیز در ژاپن در حال اجراست، کاهش قدرت نفوذ قوه مجریه و یابطور مشخص تر کاهش قدرت و نفوذ دولت مرکزی و نیز تلاش در جهت پررنگتر نشان دادن فعالیت بخش های خصوصی شامل نظام خودمختار محلی و نیز تجارت خصوصی است که این خط مشی ها تلاشی است در جهت خارج شدن از نظارت های دولت مرکزی.



اینکه چه عاملی باعث توسعه اقتصادی ژاپن پس از جنگ شد مقوله ای است که تاکنون تحقیقات وسیعی پیرامون آن صورت گرفته و طبعاً دیدگاههای مختلفی رانیز به دنبال داشته است. ولیکن وجه مشترک تمام این دیدگاهها اعتقاد به وجود رابطه ای محکم و غیرقابل انکار بین عناصری همچون همبستگی کل اجتماع، سیاستمداران، سازمانهای اجرایی و نیز فعالیت های بازرگانی شرکت های خصوصی در آن زمان است. عبارت مثلث آهنین به وضوح بیانگر این پیوند عمیق و محکم است. اما اینکه چگونه این عناصر به چنین رابطه تنگاتنگی رسیدند بحثی جداست که آن نیز دیدگاههای متفاوتی را به دنبال دارد.

یکی از مهمترین این دیدگاهها دیدگاهی است که در آن ساختار اجتماعی ژاپن در دوره طولانی رشد اقتصادی، نظام دهه ۴۰ خوانده میشود. ژاپن از سال ۱۹۳۹ با تجاوز به چین وارد جنگ جهانی شد و از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ درگیر جنگی بود که آمریکا دشمن اصلی او محسوب میشد که در فاصله بین این جنگ تا دوران بحران اقتصادی، در ژاپن برنامه های اقتصادی متعددی صورت گرفت. بر اساس این دیدگاه، در دهه ۱۹۴۰ بخاطر وقوع این جنگها از نظام کشوری گرفته تا نظام صنعتی و زندگی روزمره مردم کشور، همگی در راستای تحقق اهداف کشور بصورت دقیق سازمان بندی و بعنوان یک نظام تدوین شد. این دوره، دوره ای است که کل اجتماع از پیوند و رابطه ای عمیق برخوردار بود.

پس از شکست ژاپن در جنگ، اصلاحات بزرگی در این کشور و البته تحت نظارت آمریکا صورت گرفت. از قانون اساسی کشور گرفته تا وضعیت ساختار شرکتها که در پی انحلال شرکتهای بزرگتر پایه عرصه تجارت کشور گذاشته بودند (انحلال گروههای مالی) و نیز وضعیت مالکیت زمینهای کشاورزی و تقسیم مالکیت اراضی پهناور (اصلاحات ارضی) و همچنین نظام مالیاتی کشور (بکارگیری نظام مالیات بندی تصاعدی) همگی تحت تاثیر این اصلاحات قرار گرفتند.

البته بیشتر نظام ها و نیز سبک رفتارهای اجتماعی به همان صورت اول باقی مانده و تغییری در آنها صورت نگرفت. اما با اینحال امکان بکارگیری توانائی و نیروهای مردمی در جهت نیل به اهداف کشور که اجرای اصلاحات بعد از جنگ رانیز شامل میشد

در کشور فراهم شد. و این امر یکی از عوامل بزرگ داخلی کشور در پروسه توسعه سریع اقتصادی ژاپن بود.

اما اینکه این دیدگاه تا چه حد به واقعیت نزدیک است چندان مهم نیست. نکته مهم وجود رابطه عمیق بین سیاستمداران، سازمانهای اجرایی و شرکتهای تجاری و تحقق خط مشی های اقتصادی و اجتماعی در سایه این روابط عمیق است. چرا که به مدد همین رابطه، نه تنها دولت مرکزی که در جایگاه محوریت اجتماع قرار داشت بلکه تمامی فعالیتهای اجتماعی نیز در جهت اهداف کشور سوق داده میشدند و در نتیجه نه تنها حاکمیت دولت مرکزی، بلکه از نظام خودمختار محلی گرفته تا تمامی بخشهای خصوصی و از جمله شرکتهای بازرگانی و حتی فعالیتهای روزمره مردم ژاپن همگی تحت تاثیر این رابطه عمیق که حکومت مرکزی در محوریت آن قرار داشت قرار گرفتند.

### ۳- وضعیت کارکرد تفکیک قوا در دوره توسعه اقتصادی

با توجه به موارد بیان شده به این نتیجه میرسیم که عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی ژاپن علاوه بر ارتباط عمیق بین سیاستمداران، سازمانهای اجرایی و شرکتهای و موسسات بازرگانی، نیروی همبستگی اجتماعی است که این نیرو خود از وابستگی شرکتهای و بخشهای خصوصی به دولت مرکزی به وجود آمده است. اما باید توجه داشت که چه در زمینه سیاست های اقتصادی و چه در زمینه سیاستهای اجتماعی، محرک اصلی این حرکت عظیم، دولت مرکزی است که خود آن بر اساس روابط بوروکراسی تشکیل شده بود و منظور از دولت مرکزی همان قوه مجریه کشور است. بنابراین چنانچه جامعه ژاپن را از دریچه قوای سه گانه که موضوع اصلی این مقاله است مورد مطالعه قرار دهیم مشاهده میکنیم که در دوره توسعه اقتصادی ژاپن، سازمانهای اجرایی و یابانه عبارت دیگر قوه مجریه از اختیارات بیشتری نسبت به دو قوه مقننه و قضائیه برخوردار بوده است. در بخش بعد توضیحات بیشتری در مورد تفوق و برتری قوه مجریه ژاپن بر سایر قوا در دوره رشد اقتصادی ارائه خواهد شد.

● تفوق قوه مجریه نسبت به مجلس

در ژاین طبق عبارت مثلث آهنین که تضمین کننده رشد و توسعه اقتصاد ژاین است، قوه مجریه بر تمامی فعالیتهای شرکتها و موسسات تجاری نظارت کرده و پس از جمع آوری اطلاعات در خصوص هر کدام از شرکتها و نیز رسیدگی به خواسته ها و تقاضای آنها، پیش نویس سیاستهای آنها را تهیه و تدوین می کردند. قابل ذکر است که در این دوره شرکتها در سایه سیاستهای راهبردی قوه مجریه و نیز وجود روابط بین سیاستمداران و بوروکراتها منافع زیادی را کسب کردند. همچنین نمایندگان مجلس بدلیل فقدان قابلیت در ایجاد همسوئی بین سیاستهای خود با قوانین کشور، توانائی تهیه پیش نویس رانداشتند و بنابراین ناچار برای انجام این کار به بوروکراتها متوسل میشدند.

از طرفی سیاستمداران نیز به منظور انتخاب مجدد در انتخابات بعدی بایستی فعالیتهای خود را همسو با سیاستهای حامیان انتخاباتی خود به پیش می بردند. لذا برای اطمینان از اینکه آیا سیاستهایی که در جهت اهداف حامیان آنها اتخاذ شده در چارچوب سیاستهای خود آنها قرار میگیرد یا خیر بایستی با بوروکراتها گفتگو و مشورت کنند و به همین دلیل قوه مجریه نسبت به موسسات و شرکتهای بزرگ تجاری و نیز سیاستمداران در فرآیند شکل گیری سیاستها قدرت نفوذ زیادی از خود نشان میداد. سیاستهایی که به این ترتیب اتخاذ میشدند بعنوان لایحه و لایحه بودجه به مجلس ارائه شده و پس از تأیید توسط مجلس دوباره به قوه مجریه ارجاع داده شد و بعد به مرحله اجرا درمی آمد.

بدین ترتیب، بوروکراتها که دولت مرکزی را اداره میکردند و به عبارت دیگر قوه مجریه نسبت به کارکرد خود مجلس از تفوق و برتری بیشتری برخوردار بوده است.

● تفوق قوه مجریه و مجلس نسبت به قوه قضائیه

در اینجا به روابط بین قوه مجریه مقننه و قضائیه میپردازیم .

همانطور که در بخش قانون اساسی نیز اشاره شد وظیفه قوه قضائیه، قضاوت در خصوص انطباق یا عدم انطباق لوایح مصوبه مجلس و قواعد و مقررات وضع شده

توسط قوه مجریه ، باقانون اساسی کشور است.

همانطوریکه درچند کشورواز جمله درآلمان نیز ازشیوه قضاوت درامرانطباق یاعدم انطباق قوانین باقانون اساسی استفاده میشود ،اجرای کار بدینگونه نیست که دادگاه این لوایح ومقررات راگرفته ودرموردانطباق ویاعدم انطباق آنها باقانون اساسی وبدون درنظر گرفتن منافع مردم حکم صادرکند.درژاپن نیز چنانچه بدلیل اقدامات قوه مجریه مردم کشور متضرر شده وبرای اقامه دعوی به دادگاه مراجعه کنندهمان موقع درمورد تناقض داشتن یا نداشتن این قوانین ومقررات با قانون اساسی قضاوت صورت میگیرد.به عبارت دیگر چنانچه تصور شودکه قانونی باقانون اساسی تناقض دارد ودراین خصوص اقامه دعوی صورت بگیرد ،به این دعوی رسیدگی نمی شود،بلکه این طرح دعوی بایستی درادامه واردآمدن ضررو زیان مشخص به افراد صورت بگیرد.

ازآنجا که در قانون اساسی ژاپن از مجلس به عنوان بالاترین مرجع ذیصلاح درامر قانونگذاری نام برده شده است وازطرفی قوه مجریه هم در همین چارچوب قوانین وضع شده توسط مجلس میتواند اقدام به وضع قانون نمایدلذا می بینیم که درواقع قوه مجریه و مقننه از اختیارات بیشتری نسبت به قوه قضائیه برخوردارند.وبه همین دلیل است که گروهی از اندیشمندان از اصطلاح انتقادآمیز نقش منفی قوه قضائیه استفاده میکنند.علاوه بر اینها نقشی که قوه قضائیه در جامعه ژاپن ونسبت به مردم ایفا میکندعملابسیار محدوداست .ژاپن درمقایسه باسایر کشورهای پیشرفته ،نسبت به تعداد جمعیت ،از میزان دادخواهی وطرح دعوی بسیار کمی برخورداراست و میتوان گفت که فرهنگ مراجعه به دادگاه وحقوقدان ،جهت حل قانونی اختلافات چه درزمینه فعالیت شرکتهای تجاری وچه درزمینه زندگی روزمره ،هنوز درجامعه ژاپن جای خودراپیدانکرده است .

● محدودیت نقش قوه قضائیه درجامعه ژاپن

دلایل زیادی برای محدودیت نقش قوه قضائیه درجامعه ژاپن وجودداردکه درقسمت

ذیل به سه مورد از آنها اشاره میشود:

۱- دلیل اول کمبود تعداد حقوقدانها نسبت به جمعیت ژاپن است. طبق آمار، کشور فرانسه در میان کشورهای پیشرفته کمترین تعداد حقوقدان راداراست. وقتی تعداد حقوقدانهای این کشور را با ژاپن مقایسه میکنیم میبینیم که تعداد آنها در ژاپن یک بیستم کشور فرانسه است. یعنی با توجه به جمعیت ۱۲۰ میلیونی ژاپن، این کشور تنها دارای ۴۰ هزار حقوقدان است و بنابراین امکان استفاده از سیستم حقوقی برای مردم امری مشکل است.

۲- دلیل دوم این است که در ژاپن سیستم رسیدگی به دادخواهی و دعاوی به کندی صورت میگیرد و تا صدور حکم نهائی زمان زیادی صرف میشود و لذا شرکتها و همینطور مردم نیز ترجیح میدهند که از این سیستم استفاده نکنند. و از طرفی برای مثال در صورت اختلاف بین قوه مجریه و شرکتها چنانچه احساس شود منافع شرکتی بخاطر انحراف از چارچوب مقررات وضع شده توسط قوه مجریه به خطر بیفتد با در نظر گرفتن روابط مثلث آهنین که عهده دار رشد اقتصادی ژاپن است و آگاهی از اهمیت این روابط، این شرکت ترجیح میدهد که از دست رفتن منافع خود را تحمل کند اما با طرح دعوی و شکایت این روابط را که خدشه دار شدن آن زیانهای به مراتب بیشتر از ضرر روزبان و آراآمده به شرکت به همراه خواهد داشت برهم نزند. همچنین مردم ترجیح میدهند که در صورت بروز اختلاف از دخالت دادن حقوقدانان و از آن مهمتر مراجعه به دادگاه و طرح دعوی خودداری کنند چراکه اعتقاد دارند که متوسل شدن به این امور، خصوصا در مواردیکه با صحبت کردن طرفین قابل حل است خود باعث تشدید اختلاف در روابط دوستانه مردم میشود.

۳- دلیل سوم این است که از آنجا که نتیجه احکام دادگاه توسط مردم قابل پیش بینی است و از طرفی نیز به این موضوع آگاهی دارند که در صورت طرح دادخواهی هزینه

زیادی رامتقبل شده و در نهایت غیر از ضرروزیان چیز دیگری عاید آنان نخواهد شد به دادگاه مراجعه نمیکنند خصوصا در شرایطی که طرف مقابل آنها قوه مجریه باشد احکام دادگاه بدون شک در جهت تحقق اهداف کشور خواهد بود نه شخص شاکی. برای جلوگیری از طرح چنین دعاوی مشابهی در آینده قوه مجریه وقضائیه به شرکت بیمه ویاسازمانهای مربوطه راهنمائیهای لازم رادرخصوٹ چنین دعاوی ارائه میدهند. برای مثال درخصوص پول بیمه مربوط به حوادث رانندگی ویازلزله شرکت بیمه تحت راهنمائیهای که از قبل به اوداده شده عمل میکند و بدین ترتیب امکان طرح دعاوی وشکایتها رادرآینده به حداقل ممکن میرسانند. بعلاوه مردم میدانند که صدور بیشتر احکام صادره در دعاوی که در بالا اشاره شد از روی احکام قبلی و براساس نرخ روز صورت میگیرد و صدور هیچ حکمی از این قاعده مستثنی نیست. در صورتی هم که شکایتی از سوی شخص ویاشرکتی صورت بگیرد در صورتیکه طرف دعوی قوه مجریه باشد خصوصا در موارد سیاسی ، نهایتا حکمی صادر میشود که تضمین کننده منافع مجلس ودولت باشد. بنابراین میبینیم که از لحاظ دموکراسی دادگاه درخصوص مسائل سیاسی خط مشی وسیاستی منفی را از خود نشان میدهد به طور کلی میتوان گفت که قوه قضائیه ژاپن نسبت به دو قوه مجریه ومقننه درخصوص سیاستهای کشور ونیز زندگی اجتماعی از قدرت نفوذ کمتری برخوردار است.

### **اصلاحات ساختار اجتماعی وسیستم قضائی در دهه ۹۰: حدود پیچیدگی اجتماع وساختار تفوق قوه مجریه**

۱- پایان رویای شیرین توسعه اقتصادی وبازسازی اجتماع ژاپن  
موارد ذکر شده فوق مربوط به عملکرد واقعی ساختار تفکیک قوای ژاپن در عصر رونق اقتصادی آن بود. اما از این پس به موضوع انطباق جامعه ژاپن با دوره رکود اقتصادی میپردازیم.

در این بخش تا حد امکان در مورد خصوصیات این دوره وعلل وقوع تحولات آن ونیز

در مورد شکست ژاپن در امر انطباق با تغییرات اجتماع در آستانه ورود به قرن ۲۱، که پیچیدگی تنوع و تمایل در جهت جهانی شدن از خصوصیات بارز آن به شمار می رود توضیحاتی داده خواهد شد.

دوران رکود اقتصادی ژاپن که تا حال حاضر نیز ادامه دارد اصطلاحاً رویای شیرین از دست رفته نامیده می شود. در همین دوره شروع رکود اقتصادی ژاپن، قوه مجریه و مقننه که در امر کنترل جامعه توسط سیاستهای خود به بن بست رسیده بودند در صدد بودند تا حد امکان با حفظ ساختار دولت مرکزی که تا آن موقع عامل اصلی پیشرفت و توسعه اقتصادی ژاپن محسوب می شد بتوانند کمی از این ناتوانی خود را جبران نمایند. نظام خود مختار محلی و نیز بخشهای خصوصی اعم از شرکتهای تجاری و مردم نیز با وجود اینکه انتظار میرفت از استقلال عمل بیشتری برخوردار باشند ولیکن همچنان وابسته به دولت مرکزی بودند.

عوامل ذکر شده در مجموع باعث تضعیف هر چه بیشتر اقتصاد ژاپن می شد و بنابراین برای انطباق با این معضلات انجام اصلاحاتی همچون اصلاحات سیاسی، اجرائی، ساختار اقتصادی و قضائی که در مجموع به همه آنها لفظ اصلاحات ساختار اجتماعی اطلاق می شود ضروری بنظر می رسید.

اصلاحات سیاسی با جلب و دستگیری آن دسته از رجال سیاسی و بانفوذ کشور که از راه دریافت رشوه و یا از راههای غیر مشروع به ثروتهای هنگفتی رسیده بودند و نیز انتقاد مردم و به خصوص رسانه های گروهی از این افراد آغاز شد. بدین ترتیب میزان اعتماد مردم به سیاست و سیاستمداران کاهش یافته و ضرورت انجام اصلاحات در خصوص سیاستمداران و بوروکراتها شدیداً احساس می شد. از جمله اقداماتی که در طی این اصلاحات و به منظور ایجاد ساختاری جدید انجام گرفت میتوان به قائل شدن شرط اخلاقی در گزینش سیاستمداران، محدود کردن ثروتهای هنگفتی که سیاستمداران به مدد قوه مجریه بدست آورده بودند و نیز اصلاح ساختار سیاسی کشور از طریق تغییرات در حوزه های انتخاباتی و نیز کاهش تعداد نمایندگان مجلس اشاره کرد.

اصلاحات اجرائی نیز با بر ملا کردن اقدامات نامشروع بوروکراتها شروع شد. به منظور جلوگیری از افزایش قدرت عمل قوه مجریه که در واقع عامل اصلی تنظیم و سازماندهی نهادهای مربوط به امور اجرائی و نیز دولت مرکزی بود اقداماتی نظیر تقسیم قدرت محلی و همچنین تسهیل مقررات اجرا شد و نیز با وادار کردن نظام خودمختار محلی و شرکتهای تجاری به تطبیق دادن خود با مشکلات مختلف مربوط به مسئولیتهای شخصی، توانستند حوزه اختیارات دولت مرکزی را کاهش دهند و همزمان جهت ارتقاء شفافیت عملکرد سازمانهای اجرائی سیستم اطلاع رسانی عمومی را توسعه داده و از طرفی نیز جهت عدم جلوگیری بیش از اندازه از فعالیتهای بخش خصوصی و نظام خودمختار محلی اقدام به تنظیم برنامه ای جهت کنترل و بازرسی این فعالیتها کردند.

گفتنی است که اصلاحات ساختار اقتصادی نیز با افشای فعالیتهای غیر قانونی مراکز هسته ای اقتصاد کشور، از جمله محافل مالی و بورسی، سرعت بیشتری به خود گرفت. همچنین ادارات مربوط به وزارت دارایی که تا آنموقع سیاستهای پولی و مالی کشور را بطور همزمان اداره می کردند به دو بخش وزارت مالیه و سازمان پولی کشور تفکیک شدند و بدین ترتیب، مدیریت امور مالی و امور پولی استقلال بیشتری یافتند. همچنین به بانکهایی که از سیستم بستانکاری نامطلوبی رنج می بردند از بابت مالیات کمکهای مالی فراوانی کرده و نیز مدیریت سازمانهای پولی را نیز که دارای سیستم بستانکاری نامطلوبی بودند به اتحاد و اتخاذ تدابیری در جهت ایجاد مدیریتی مشترک تشویق می کردند. بعلاوه در صورت لزوم، به حل معقولانه مشکل سازمانهای پولی که دچار ورشکستگی شده بودند می پرداختند.

بدین ترتیب، اتخاذ تدابیر معقولانه در امر اداره مدیریت سازمانهای پولی، باعث شد که شرکتهای تجاری که فعالیت و عملکرد آنها بطور مستقیم وابسته به وامهایی بود که از بانک دریافت می کردند تشویق به اتخاذ تدابیر و خط مشی های محکمتری شوند. و بنابراین شرکتهای و موسسات فوق در راستای نیل به این هدف و نیز جهت اتخاذ مدیریتی با محوریت کسب منافع در مدت کوتاهتر، اقداماتی نظیر حذف بخشهای بی



فایده، کاهش پرسنل اضافی، بازبینی سیستم استخدام مادام العمر رادبرنامه اصلاحی خود قرار دادند. همچنین به پیشرفت در امر اطلاع رسانی عمومی در خصوص مدیریت بازرگانی و همینطور کسب سرمایه بیشتر به مدد ارزیابی مناسب و صحیح از بازار بورس و نیز پیشبرد پولهای مستقیم و در نهایت تقویت توانایی مدیریت جهت انطباق با این تغییر و تحولات می توان اشاره کرد.

جریان اصلاحات اقتصادی فوق، با شعار احترام به اصول مسوولیت های شخصی و نیز رعایت اصول بازار و رقابت سالم در جهت جلوگیری از نظارت مفرط توسط دولت به پیش می رود. بنابراین نه تنها در زمینه اقتصاد که در همه زمینها و از جمله در زمینه رفاه اجتماعی و حتی در بخشهای آموزشی موثر خواهد بود.

## ۲- اصلاحات سیستم قضائی

### ● سیستم قضائی ضامن حفظ نظم اجتماعی

لازم به ذکر است که جلوگیری از نظارت مفرط دولت مرکزی باعث اختلال در کار مراکزی بود که وظیفه حفظ نظم کل اجتماع را بر عهده داشتند. طبیعی است که در صورت تلاش در جهت انطباق با شرایط جدید که معلول خود اصلاحات است، مسائل مختلفی پیش می آید و نیز در صورت تاکید بر مسوولیت های شخصی و نیز اجرای اصول جدید رقابت در جامعه، رقابت بین تمام شرکتهای تجاری شدت یافته و در زندگی مردم نیز به دنبال شکل گیری نظم جدید مسائل و مشکلات عدیده ای پیش می آید. بعلاوه در صورت پیشرفت نسبی اصلاحات و برقراری ثبات در جامعه، چنانچه مرجعی برای ایفای مسوولیت هایی که تا به حال بر عهده دولت مرکزی بوده اقدامی نکند نظم اجتماعی به مرحله ثبوت نخواهد رسید.

اما در این مجموعه اصلاحات که در اصطلاح، اصلاحات ساختار اجتماعی نامیده میشود اصلاحات نظام قضائی در آخر و بعد از سایر اصلاحات صورت گرفت. و اصلاحات آن نیز به این صورت بود که سازمان مشاوره بانام شورای اصلاحات نظام قضائی، در ژوئن ۱۹۹۹ بعنوان سازمانی وابسته به هیات دولت تشکیل شد و این شورامشخصا به تحقیق

و بررسی در خصوص نظام قضائی کشور پرداخت و گزارش نهائی این بررسیها را دو سال بعد در ژوئن سال ۲۰۰۲ تقدیم جون ایچیروکوایزومی نخست وزیر فعلی ژاپن کرد. محتویات این گزارشات تصمیم گیری در خصوص اجرای تدابیری بود که بتواند در نظام قضائی تغییرات زیادی داده و جامعه ژاپن را در جهت خواسته نهائی آن که همان انطباق با جامعه بین المللی است سوق دهد. این گزارش حاوی برنامه ای ۱۰ ساله تحت عنوان برنامه پیشرفت اصلاحات نظام قضایی کشور، است که به هیات دولت تقدیم شده و هم اینک در حال اجرا و پیشروی است.

● محتوی اصلاحات قضایی: اصلاحات در جهت افزایش تعداد حقوقدانان و نیز تغییر نظام آموزشی کشور

در جریان اصلاحاتی که تحت عنوان اصلاحات سیستم قضایی صورت گرفته، برنامه ای که قبل از همه به آن پرداخته شده و انتظار می رود که در ساختار تفکیک قوا در آینده بیشترین تاثیر داشته باشد اصلاحات نظام آموزشی و نیز افزایش تعداد حقوقدانان کشور است.

همانطور که در بخش نخستین این مقاله نیز اشاره شد تعداد حقوقدانان ژاپن به نسبت جمعیت آن، یک بیستم تعداد حقوقدانان کشور فرانسه است. این در حالیست که کشور فرانسه در میان کشورهای صنعتی و پیشرفته از کمترین تعداد حقوقدان برخوردار است. ولذا یکی از موارد مندرج در اصلاحات ذکر شده، تلاش در جهت افزایش تعداد حقوقدانان ی کشور (رسیدن به تعداد حقوقدانهای فرانسه) در طی ۲۰ سال آینده است. اما موضوع اصلی چگونگی اجرای این برنامه است. لازم به ذکر است، چنانچه ملاک ما در گزینش حقوقدانها، صرفا کسب نمره قبولی در امتحان بدون در نظر گرفتن کیفیت عملکرد این حقوقدانها باشد این احتمال وجود دارد که در آینده در نتیجه عملکرد نادرست اشخاص برگزیده شده نه تنها اهداف مورد نظر تامین نشود بلکه حفظ نظم اجتماع نیز که وظیفه اصلی این قوه است نیز حاصل نگردد و لذا به منظور رفع این

مشکلات ضرورت شروع اصلاحاتی وسیع از مرحله ابتدایی که همان آموزش حقوق در کشور است احساس می شد.

می توان گفت تا آنموقع نظام تحصیلات و آموزش حقوق در دانشگاه های ژاپن، از آن جهت که بر مبنای آموزش و تربیت حقوقدانانی صورت می گرفت که مسوولیت های خود را با محوریت دادگاه ایفا می کردند، از بازدهی مطلوبی برخوردار نبود.

به منظور بهبود این وضعیت، قوانین و مقرراتی را مبنی بر عدم وجود هیچگونه رابطه ای بین تحصیلات و آموزش حقوق در دانشگاه و نیز آزمون های انجام شده جهت تایید صلاحیت حقوقدانان تنظیم کردند. عبارت دیگر ملاک شرکت حقوقدانان در آزمون مربوطه، فارغ التحصیلی از دانشکده حقوق نبود بلکه بدون در نظر گرفتن سابقه تحصیلی افراد این آزمون بطوریکسان بین افراد برگزار می شود.

در راستای نیل به اهداف فوق، دانشگاه، تبدیل به مرکزی برای تحقیق و پژوهش دانشجویان و آشنایی آنان با نقطه نظرات دانشمندان و بزرگان این رشته شد و خصوصا دانشکده های تحصیلات تکمیلی بیش از آنکه مبنی بر آموزش و تربیت حقوقدانانی باشد که صرفا در محدوده وظایف محوله خویش فعالیت می کنند، بصورت مرکزی برای تحقیق و بررسی محققان آینده کشور درآمد. و بطور کلی می توان گفت که در ژاپن، بحث معلومات و آگاهی در زمینه حقوق و نیز توانایی و صلاحیت انجام مشاغل مربوط به آن، دو بحث کاملا مجزا است.

اما در حال حاضر که افزایش تعداد حقوقدانان ژاپن، امری اضطراری و ضروری است، به منظور تربیت و آموزش حقوقدانانی که با کسب آموزش های لازم بتوانند نظام اجتماع را حفظ کنند قرار است که از سیستمی کاملا جدید در این امر استفاده کند که در این سیستم تاسیس مراکز تحصیلات تکمیلی (فوق لیسانس) در محوریت امر قرار دارد و این موضوع، در واقع تغییر و تحولی بزرگ در رشته حقوق است. در حال حاضر تصمیم بر این است که از آوریل سال ۲۰۰۴ از این سیستم جدید استفاده شود و به همین منظور تعداد زیادی از دانشگاه های ژاپن که دارای دانشکده حقوق هستند مشغول زمینه سازی های

لازم جهت گنجانیدن دوره فوق لیسانس در برنامه دانشگاهی خود هستند.

در این راستا سعی شده است که همزمان با کاهش اختیارات قوه مجریه، از سیستم آموزشی که در آن، آموزش نه تنها در سطح لیسانس بلکه در سطح فوق لیسانس نیز نقش محوری دارد استفاده شود و علاوه بر توجه به کمیت حقوقدانان، به کیفیت کارایی و عملکرد آنان نیز توجه زیادی صورت می گیرد.

اجرای آزمون در سیستم جدید، علاوه بر تاکید بر آموزش صحیح در دانشگاه و در نهایت اخذ نمره قبولی در آزمون نهایی دانشگاه در واقع فرصتی بسیار مناسب است برای اینکه حقوقدانان آینده کشور آمادگی خود را جهت ایفای وظایف آتی خود محک زده و با نقاط ضعف خود آشنایی شوند.

همچنین در دانشکده های حقوق ژاپن، چنانچه دانشجویانی باشند که رشته تحصیلی آنها در مقطع لیسانس، رشته دیگری غیر از حقوق بوده باشد نیز می توانند در آزمونهای مربوط به کارشناسی ارشد رشته حقوق شرکت نمایند. و بدین ترتیب قدرت توانایی انطباق سیستم قضایی کشور با جامعه کنونی، نسبت به قبل افزایش خواهد یافت.

بنابراین، هدف این روش آموزش تنها ارتقا سطح آگاهی و معلومات علمی دانشجویان نیست بلکه هدف اصلی آن، آموزش عملی و صحیح و نیز افزایش حقوقدانانی نظیر قضات، دادستانها و نیز وکلایی است که در آینده پستهای مهم و حساسی را در اجتماع احراز خواهند کرد. خصوصا در تربیت وکلا به این موضوع تاکید زیادی می شود که آنها به نحوی آموزش داده شوند که قادر باشند در خصوص اختلافات پیش آمده در بین افراد، قبل از مراجعه به دادگاه با انجام گفتگو و مشورتهای سازنده آن اختلافات را حل و فصل کنند.

البته غیر از موارد فوق که به منظور افزایش تعداد حقوقدانان صورت می گیرد لازم است به اصلاحاتی همچون اجرای برنامه کمک مالی به افراد بی بضاعت که فاقد استطاعت مالی جهت مراجعه به دادگاه و استفاده از مشاوران حقوقی هستند، کاهش مدت زمان دادرسی و نیز استفاده از سیستم انعکاس قضاوتهای مردم در خصوص احکام صادره

اشاره کرد.

### جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله مواردی همچون ساختار قوای سه گانه به همان صورت که در قانون اساسی ژاپن درج شده، روابط بین قوای سه گانه و نیز اصلاح ساختار اجتماعی ژاپن که در حال حاضر نیز با هدف کاهش اختیارات دولت مرکزی و تقویت قوه قضاییه در حال انجام شدن است مطرح شد اما اینکه آیا اجرای این اصلاحات قادر خواهد بود که حیات دوباره ای به ژاپن ببخشد یا خیر موضوعی است که در حال حاضر نمی توان در مورد آن قضاوت کرد و نگارنده نیز در این خصوص ترجیح می دهد که از لفظ مخصوص ایرانیان (انشاء الله) استفاده کرده و امیدوار باشم که ژاپن دوباره به دوره ترقی و پیشرفت خود برگردد.

بنده با توجه به تجربیاتی که در مورد سه قوه مقننه قضاییه و مجریه دارم می توانم بگویم که توازن قوا بین این سه قوه موضوعی است که با موقعیت و شرایط تاریخی زمان خود رابطه ای غیر قابل انکار دارد و لذا لزومی ندارد که حتما تمام جزییات آن در قانون اساسی کشور درج شده باشد. بلکه با توجه به ساختار اجتماعی زمان خود، بعبارت دیگر با در نظر گرفتن فعالیتهای بخشهای خصوصی از قبیل شرکتها و مردم و نیز وضعیت بخشهای دولتی (البته به جز دولت مرکزی) تعیین و مقرر می شود. و در ضمن اینکه ساختار تفکیک قوا و در مرحله بالاتر ساختار اجتماعی که وظیفه حفظ آنرا بر عهده دارد در یک برهه از زمان به خوبی ایفای نقش کرده و نتایج مثبتی را به همراه داشته دلیل بر این نیست که این ساختار تحت هر شرایطی به همین نحو عمل کرده و همواره نتایج مثبتی را به همراه خواهد داشت. بلکه مطابق با اوضاع اجتماعی، این ساختار نیز بایستی تغییر کند.

در اینجا لازم میدانم بطور خلاصه عرض کنم که در اجتماع ژاپن، قوه مجریه که تقریباً در همان بحبوحه جنگ جهانی دوم در ژاپن در حال شکل گیری بود و خصوصا دولت

مرکزی آن، در بین سه قوه از ساختار اجتماعی برتری برخوردار بود و وابستگی بخشهای خصوصی به این دولت مرکزی بود که امکان توسعه اقتصادی ژاپن را بعد از جنگ فراهم کرد. ولیکن در ژاپن از نیمه دهه ۸۰ به بعد، توازن قوا که در آن تفوق قوه مجریه به خوبی قابل مشاهده بود، قدرت انطباق با عصر جدید که از پیچیدگی و تنوع و نیز تمایل زیادی در جهت جهانی شدن برخوردار بود را نداشت و بنابراین برای رفع این مشکل، اصلاحات متعددی شروع شد و در حال حاضر نیز همچنان ادامه دارد. مواردی همچون: تسهیل مقررات و ارایه اصول رقابت سالم، کاهش اختیارات اجرایی دولت مرکزی با اولویت دادن به فعالیت و خلاقیتهای بخش خصوصی و تشکیلات محلی (البته در محدوده مسوولیتهای شخصی، تقویت قوه قضاییه به منظور حفظ نظم اجتماعی و رفع اختلافات جدید در صورت عدم دخالت قوه مجریه و نیز افزایش تعداد حقوقدانان و..... از جمله این اصلاحات است.

همانطور که در ابتدا نیز اشاره شد، تاکنون بین کشور ایران و ژاپن در زمینه نظام حقوقی و سیاسی کشور مقابل تحقیقی صورت نگرفته است و تحقیقاتی که بنده نیز در طی اقامت کوتاه در ایران انجام داده ام بسیار اندک است. ولیکن امیدوارم همین مقدار کم نیز بتواند گوشه ای از این نقصان را جبران کرده و سرآغازی باشد برای باز کردن باب گفتگو و تبادل اطلاعات دو کشور. و نیز امیدوارم که مقاله بنده برای خوانندگان محترم ایرانی مفید واقع شود.

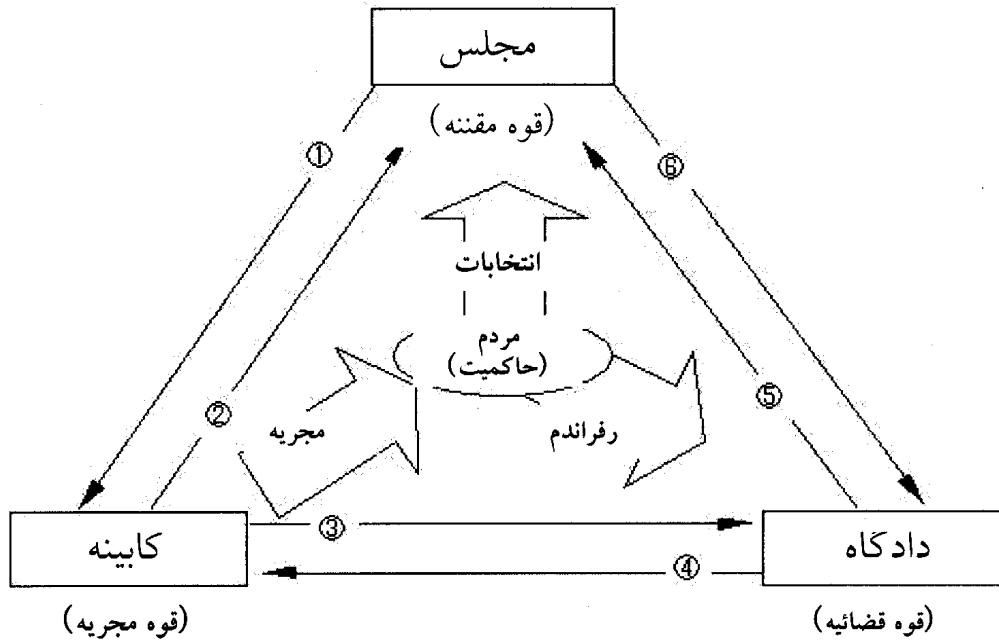
---

\* محتویات این مقاله، در واقع بازنویسی محتویات متن سخنرانی نگارنده در تاریخ پنجم فوریه ۲۰۰۳ است که بصورت مقاله چاپ شده است.

در اینجا لازم می دانم از تمامی عزیزانی که بنده را در جهت تهیه مقاله فوق یاری نمودند، خصوصا از آقای دکتر حمیدرضا رحمانزاده دهکردی، استاد دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، کیومرث واحدی، معصومه کرمی که در طی اقامت در ایران به ویژه در امر ویراستاری و ترجمه این مقاله بنده را مورد محبت خویش قرار دادند از صمیم قلب تشکر کنم.

نمودار ۱

### استقلال سه قوا در قانون اساسی ژاپن



- ① تعیین نخست‌وزیر و رأی عدم اعتماد به کابینه
- ② انحلال مجلس نمایندگان
- ③ انتصاب رئیس قوه قضائیه و دیگر قضات
- ④ قضاوت بر اساس قانون اساسی و احکام دولتی و نیز سایر قوانین مصوبه هیات دولت
- ⑤ داوری موضوعی در مصوبات مجلس بر اساس قانون اساسی
- ⑥ بررسی اتهام قضاتی که لایق قضاوت نباشند

منبع: سازمان پژوهش آماری و کارآموزی "سالنامه ی آماری ژاپن ۲۰۰۲" (اداره آمار ژاپن) ص ۱۸۹

## 【解題】

本稿は、二〇〇三（平成十五）年二月五日に行ったイラン・イスラム共和国（以下単に「イラン」とする）の国会調査センターでの講演「日本再生への挑戦・権力分立機構からみる社会構造改革」を原稿としてまとめたもののペルシャ語（Farsi）訳である。その事情を反映してペルシャ語（Farsi）版では、タイトルの下に講演当時の肩書きである鹿児島大学法文学部法政策学科助教授・アラメタバタバイー大学法学部 Visiting Scholar と記している。

本稿の概要は、前半は日本国憲法における三権分立の理念的説明、後半は三権のパワーバランスの変更による日本社会の再生の試みという視角をベースに、司法制度改革にやや重きを置いて社会構造改革を紹介したものである。より具体的な内容は、本論集の次号で、ここに掲載したペルシャ語版のもとになった日本語版を含む論稿を掲載予定であるのでさらに譲る。ここでは、単に日本語版だけではなく、講演の内容自体がどのようにして用意されたのか、また、それが講演の質疑を通じてどのような議論がなされたのかをふくめて報告する予定である。

ここに日本語版に先立ってペルシャ語（Farsi）訳を独立して公表することにした背景には、現代の日本の法制度やその現状を取り上げるペルシャ語 Farsi の論文は、私の知る限り存在していないということがある。また同様に、現在我が国には現代イランの法制度を専門とする研究者は皆無であるし、イランでも日本の法制度を専門に研究している研究者はいない。幸いにも私は、この講演を含む四ヶ月の間、イランのアラメタバタバイー大学法学政治学部に Visiting Scholar という地位で滞在し、これを契機として応募した二〇〇三年度から三年にわたる科学研究費萌芽研究で、「現代イスラム社会における国家法の担い手の研究―イランの法律家を事例として―」という主題の研究に対する支援を受けることができた（課題番号15653001）。この研究を推進する中で、講演原稿のペルシャ語（Farsi）版の公表は当該分野の研究基盤の形成の一端としての相互理解を推進するという萌芽研究の趣旨の一端を実現できると考えた。

このペルシャ語版の作成に当たっては、テヘラン大学文学部日本語学科の卒業生であるマースメ・キャラミ氏（現…



一橋大学大学院社会学研究科修士課程)とキューマース・ワヘダイ氏(現・イラン・イスラム共和国宗教指導省日本担当)に翻訳をしてもらい、アラメタバタバイー大学法学政治学部のハミッド・レザー・ラフマニーザーデ・デッコデー講師に監修していただいた。デッコデー講師はこの講演自体のコーディネーターであり、前半日本語・後半英語という言語的にもバラバラであった本稿を言語的に一元化することを薦めてくれ、ペルシャ語版のニーズについて示唆してくれたのも彼であった。

また、本稿の掲載に当たっては、ペルシャ語 (Farsi) が右から左に横に書く言語であり、ページの繰りが日本語縦書きの書物と同じになることや、掲載フォントの問題、目次にどのように掲載するかなど、論集の編集上、特別な配慮を必要とした。

紙幅の都合からこの講演の内容や出版について協力をしてくれたすべての人の名をあげることができないが、その存在だけでもここに記して、あわせて感謝したい。